پژوهش يا گزارشگرى؟

زهره آشتيانى

مقدمه

از ويژگيهاى عصر حاضر, فرصتى است كه براى نوع بشر پيش آمده تا از يك سو با كنكاش در مفاهيم جديد علمى بتواند به تنظيم امور اجتماعى خود پرداخته و بر مسند ارزيابى بنشيند و از سوى ديگر, ناهماهنگى و ناهنجاريهاى حاصل از آثار عينى علوم جديد را كه حتى به دستكارى در سرشت بشر مى پردازد, چاره جويى و بررسى نمايد.

در اين ميان برخى حوادث اجتماعى موجب بروز تغييراتى در سطح كلان براى جامعه جهانى و معادلات سياسى و فرهنگى و اقتصادى شده كه از جمله اين حوادث مى توان از پيروزى انقلاب اسلامى ايران نام برد كه علت طرح فرهنگ انقلابى و اسلامى به عنوان الگوى اخلاقى براى كل جهان و جايگزينى مناسب براى فرهنگ پرتشتت غرب گرديد, هر چند به موازات اشاعه انقلاب اسلامى چالش ها و توطئه هاى اساسى نيز پيش روى آن بوجود آمده, به گونه اى كه اينك برخى از خصلتهاى انقلابى و اسلامى و گرايشات در كشورهاى ديگر (اسلامى و بعضا غير اسلامى) بيش از داخل ايران مورد توجه قرار گرفته است.

1. ضرورت برنامه ريزى بر مبناى ارزش هاى انقلاب

در دهه هاى اخير تغيير در گرايشات جهانى, موجب پيدايش موجى جديد از رفتارها و تفكرات در جوامع نسبت به گذشته گرديده است و از جمله حوزه هايى كه اين تحولات در آن بيش از پيش به چشم مى خورد, تحول در تئوريهاى علوم بخصوص علوم انسانى است; زيرا امروزه علوم انسانى متولى تحليل خواسته ها, گرايشات فرهنگى و توليد كننده نيازها و تمايلات جوامع انسانى است. به همين دليل پس از انقلاب, جامعه علمى ايران تبيين و توليد تئوريهاى علمى, مخصوصا در حوزه علوم انسانى بر مبناى انگيزش هاى دينى را مى بايست به عنوان اصلى ترين اولويت در دستور كار خود قرار مى داد, تا بتوان ادعا نمود كه جامعه علمى ايران نيز در تداوم حركت حادثه ساز حضرت امام خمينى; كه بوجود آورنده بستر پرورشى نوينى بودند, سهيم است, ولى متإسفانه به توليد گرايشات و تفكرات برخاسته از روح انقلاب اسلامى توجه چندانى نشد و عدم توجه به اين مقوله مهم پس از مدتى موجب شد تا روش هاى پژوهشى كه قبل از انقلاب محور انجام تحقيقات بود, دگر بار در مقياس بسيار ضعيف تر به كار گرفته شود. در نتيجه حاصل تحقيقات به دليل ناتوانى در پاسخگويى به نيازهاى جامعه دينى و انقلابى ايران در شكل كاربردى عملا فاقد كار آمدى در بهينه وضعيت جامعه شد و وظيفه متفكرين, كه پاسخ به مسايل حاد اجتماعى در عرصه هاى سياسى, فرهنگى و اقتصادى بود, عملا تحقق نيافت .

از اساسى ترين موضوعاتى كه در سالهاى اخير موضوع پژوهش مراكز تحقيقاتى و اجرايى قرار گرفته مسئله زنان مى باشد كه اين مقاله به بررسى وضعيت تحقيقات دانشگاهى در اين زمينه مى پردازد.

2. رويكردهاى متفاوت در زمينه پژوهش هاى علمى در ايران

اگر چه تحقيقات جزء وظايف اصلى مراكز غير دانشگاهى و اجرايى; مانند سازمان ها و انجمن هاى غير دولتى زنان نيست, لكن بيشترين مطالعات موردى در موضوع زنان كه در اين مراكز انجام شده بگونه اى است كه تعداد بررسى ها در اين مراكز به مراتب بيشتر از دانشگاهها است.1

تحقيقات با روش علمى در دانشگاهها و مراكز آموزش عالى در موضوع زنان نه تنها از نظر تعداد بسيار محدود است, بلكه به دليل عدم ملاحظه هدف هاى جامعه اسلامى نتوانسته پاسخگوى نيازهاى جامعه زنان مسلمان باشد.

پژوهش هايى كه در زمينه علوم انسانى و موضوع زنان در جامعه ايران انجام شده را مى توان به دو بخش پروژه هاى علمى با رويكرد كاربردى و پروژه هاى نظرى با رويكرد ارزشى تقسيم نمود.

1/2. روش هاى علمى نظرى بارويكرد ارزشى

فعاليت هايى كه از پس از انقلاب اسلامى براى حفظ ارزش ها صورت گرفته بيشتر در قالب نظرى بوده و انعكاس آن در برخى آموزشهاى رسمى و غير رسمى, با قالبهاى مختلف فرهنگى, هنرى ارائه گرديده است.

تحقيقات بر مبناى ديدگاه نظرى نوعا توسط محققين متدين و دلسوخته ارزش هاى اسلام و انقلاب صورت گرفته و بيشتر بر مبناى استناد به آيات و روايات و اخبار بوده و حاصل اين گونه تحقيقات استخراج توصيفات و كلياتى در چهارچوب احكام است, كه (در صورت صحت) مانند رساله عمليه حكم مى دهد. اين نگرش به دليل عدم ارائه راه حل كاربردى براى مشكلات موجود, عملا مجبور به واگذارى امور به كارشناسان شده و نهايتا توجيه كننده نظام و سيستم هايى خواهد شد كه به لحاظ مبنايى با اعتقاد محقق تفاوت دارد, در نتيجه حاصل تحقيق, محدود به پاسخگويى به مسايل مستحدثه شده است.

عدم ملاحظه بازتاب رويكردهاى اجتماعى در درون نظام استنباط احكام دينى و ناديده گرفتن چشم اندازه هاى تكاملى دين, اگر چه در ظاهر روى به انزوا ندارد, لكن در كنه آن موجب انزواى دين در جامعه شده و اقتدار اسلامى را در گذشته تاريخى آن خلاصه خواهد كرد.

آنچه امروزه مورد نياز يك جامعه اسلامى مانند ايران است معرفت اسلامى است كه قابل شاخصه گيرى, نسبت سنجى و تعيين دستورات كيفى, تخصيص كميات (مانند احكام تشويقى و توبيخى) باشد تا بر آن اساس بتوان ساختار رشد اجتماعى كل جامعه از جمله زنان را بنا نهاد.2

2/2. روش هاى كاربردى با رويكردهاى غربى

شكل ديگر پژوهش ها كه در سالهاى اخير طرفداران زيادى پيدا كرده, استفاده مستقيم از ابزار, اطلاعات و روش هاى تحقيق غربى به شكل منفعلانه ولى كاربردى براى پيشبرد جريان علمى كشور است. اين نوع بررسى ها با مبناى اسلامى نزديكى ندارد و نهايتا (در صورت درست عمل كردن) به پاسخى دست مى يابد كه كشورهاى به اصطلاح توسعه يافته, امروز به آن رسيده اند.

مطالعه و تحقيق بر اين اساس, بخصوص در زمينه علوم انسانى با مدل هاى رايج غربى و با پيش فرض هاى مادى, على رغم اصلاحات و تعمير به منظور تطبيق با قوانين شرعى, حاصلى جز همان جامعه شناسى و روانشناسى و مديريت غربى, كه دين را ابزار توجيه علم مى داند, نيست. در اين روش به اسلاميزه كردن قوانين اكتفا مى شود.3 به دليل آنكه اين تحقيقات با اتكإ به شاخصه هاى غير دينى طراحى شده, توانايى جارى نمودن نظام ارزشى اسلام را در نتايج خود نداشته و ناچار به دخالت دادن متغيرهايى در جريان تحقيق است كه در نظام غربى هنجار شناخته مى شود, و بعضا در جهت گيرى اسلامى (يا بالعكس) ناهنجار است, لذا پژوهش توانايى ايجاد تغييراتى متناسب با نظام روحى, فكرى و رفتارى جامعه ايران را نخواهد داشت.

لازم به ذكر است كه تحقيقات حتى با ديدگاه كارشناسى علاوه بر اينكه از نظر كيفى بدون ارتباط با نيازهاى جامعه اسلامى و انقلابى است در حوزه زنان از نظر كمى نيز بسيار محدود است و اين پژوهش ها تنها در گزارش وضعيت موجود ارائه مى گردد و در انتخاب موضوع نيز از موضوعات مبتلا به جوامع ديگر كه با همين شاخص ها كار مى كنند, عقب تر مى باشد.

در مقايسه با رشته هاى پزشكى و فنى مهندسى, مطالعه و تحقيق مبنائى در مسائل زنان اندك بوده است. حاصل بررسى اجمالى كارنامه پژوهشى دانشگاههاى طى سالهاى 69 و 70 و 71 در تحقيقات علوم انسانى و تحقيقات مربوط به زنان در نمودارهاى ذيل ارائه گرديده است:

نمودار مقايسه اى قسمتى از فعاليتهاى غير آموزشى شش دانشگاه نمونه ايران در سال 1369 در سه بخش كليه رشته ها, علوم انسانى و زنان .

نمودار مقايسه اى قسمتى از فعاليتهاى غير آموزشى شش دانشگاه نمونه ايران در سال 1370 در سه بخش كليه رشته ها, علوم انسانى و زنان.

نمودار مقايسه اى قسمتى از فعاليتهاى غير آموزشى شش دانشگاه نمونه ايران در سال 1371 در سه بخش كليه رشته ها, علوم انسانى و زنان.

3/2. نيازهاى پژوهشى و چگونگى پاسخ گويى به آن

O يكى از علل عدم موفقيت پژوهشهاى انجام شده بى توجهى به خاستگاه, توليد برنامه و سياست گذارىهاى تحقيقاتى براى پاسخ به نيازهاى امروز كشور در تمامى حوزه هاى تحقيقاتى و علمى, و ارائه راه حل هايى براى ارضإ آن نيازها (چه به شكل نظرى و چه عملى) است, در حالى كه پيش از هر نوع تحقيقى چگونگى توليد نيازها و توسعه آن و اين كه چگونه و توسط چه اقشارى نيازها به خواسته هاى جديدتر تبديل مى شود, مى بايست مورد ملاحظه قرار گيرد. لذا انجام تحقيقات براى شناخت معضلات مبتلا به جامعه يا به نوعى توجه به ((صورت مسئله)) جزء اصلى ترين ضروريات هر پژوهشى است, در حالى كه مطالعات امروزى بيشتر در جهت پذيرش وضعيت موجود و ارائه راه حلهاى مقطعى براى ((اصلاح)) و ((تعمير)) و ((ترميم)) مى باشد, كه بعضا حل معضلات به ميزان اندكى (احيانا 10 درصد) را مى تواند پوشش دهد, در حالى كه ارايه راهكارهاى مناسب را براى نيازهاى اصلى تر تإمين نخواهد كرد.

O از علل ديگر عدم موفقيت تحقيقات در موضوع زنان ناتوانى روشهاى تحقيقى موجود براى استفاده از متغيرهاى انقلابى و ارزش هاى اخلاقى است. از نتايج اين مسئله حاكميت دانش بر ارزش و اعتقاد به آزادى روش هاى علمى از ارزش هاست, در حالى كه ارزش و انگيزه در هر انتخاب بشرى از جمله انتخاب يك روش علمى نقش پايه اى دارد.

هنگامى كه توسعه نياز جوامع وابسته به علم شود, نتيجه آن ايجاد ارزش از طريق علم خواهد بود. در اين جا منظور تنها انتخاب سياسى و اقتصادى نيست, بلكه انتخاب ارزشى و اخلاقى نيز مطرح است, لذا ارزش هاى جامعه يا فرد با استفاده از انتخاب هايى است كه انجام مى گيرد و اين باور كه ارزشها با زمان تغيير مى كند و انتخاب ها, مردم را مجبور به گزينش مى نمايند. پس از مدتى دين و ارزشهاى دينى را در حد اخلاق فردى و زندگى شخصى تنزل داده و اين مسئله نه تنها اعتقاد بسيارى از روشنفكران جامعه كه از حمايت تعداد زيادى از اقشار مذهبى برخوردار خواهد شد و وظيفه دين تنها در حكم جريانى كه سازنده افراد است, اعلام مى شود در حالى كه برنامه هاى سيستماتيك غربى در سياست, فرهنگ و اقتصاد, علاوه بر نفوذ در جامعه علمى به شكل كاربردى الگو سازى و توليد بهينه نيازهاى اجتماعى را هم عهده دار شده و موجب جذب كليت جامعه به سوى ارزشهاى مادى مى گردد.

O براى ارتقإ جامعه علمى از وضعيت دو گانه (حفظ ارزشهاى اسلامى در تئورى و لحاظ نمودن كاربرد در عينيت) نياز به تحليل و بررسى وضع موجود بر اساس اولويتها و شاخصه هاى اسلامى و توليد روش تحقيق متفاوت مى باشد, چرا كه با شاخصه هاى از پيش توليد شده نمى توان برنامه اى مناسب براى ايجاد تغيير در موضوعات اصلى جامعه ايجاد نمود. البته اين كار مستلزم تحقيقات علمى و بنيادى مى باشد, در غير اين صورت جامعه علمى ناچار از تن دادن به برنامه ها و راه حلهاى مقطعى مى باشد.

در حال حاضر با توجه به معضلات امروز جامعه زنان بيش از هر زمان ديگرى نياز به توليد مدلهاى مختلف تحقيقات مراكز حوزوى و دانشگاهى در موضوع زنان مشهود است. همگام نبودن اين دو عرصه با يكديگر است به گونه اى است كه شايد بتوان گفت بسيارى از تحقيقات نه تنها موازى با يكديگر نيستند كه در بسيارى موارد يكديگر را نقض مى نمايند, لذا همگامى اين دو نهاد از ضرورىترين عوامل توليد مدلهاى نوين تحقيقاتى مى باشد.

پى نوشت ها

1. فهرست طرحهاى تحقيقاتى دفتر امور بانوان در وزارتخانه ها مويد اين موضوع مى باشد.

2. به عنوان مثال قوانين تشويقى صرفا پرداخت پاداش و افزايش دستمزد براى زنان نيست, بلكه هزينه نمودن براى ايجاد بسترهاى انگيزشى است كه در آن بسترها زنان ميدان مناسب براى گزينش و پرورش در سطوح مختلف; از جمله توزيع اطلاعات, ايجاد ميدان تصميم گيرى و تنفيذ مسووليت پيدا كنند.

3.همان گونه كه در نظام اقتصادى و بانك, عناوين عقود را در ظاهر تغيير داده ولى باطنا نظام تصميم سازى براى كيفيت نشر پول, از مدل سرمايه دارى تبعيت مى كند.